

روش‌شناسی نقد آرای مفسران در تفسیر تسنیم

محمدرضا شاهرودی*

مهشید موسی پور**

منصور پهلوان***

سعید شفیعی****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹

تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰

چکیده:

تفسیر تسنیم، پدیدآمده توسط آیت‌الله جوادی آملی، از جمله تفاسیر اجتهادی قرآن در دوران معاصر محسوب می‌شود که به اقتضای تفسیر المیزان عمدتاً از روش قرآن به قرآن بهره گرفته است. نگارنده این تفسیر در مقام بیان معارف آیات کریمه، همت خود را مصروف تفسیری مستدل و روشمند از آیات کتاب الهی نموده و بر این پایه به آرای دیگر مفسران عنایت داشته و به نقد اندیشه‌های تفسیری آنان پرداخته است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، با بررسی نمونه‌هایی از تفسیر تسنیم با محوریت روش نقد، نشان می‌دهد که آیت‌الله جوادی آملی، ضمن رعایت اخلاق، به نقدی هدفمند از طریق به‌کارگیری قواعد تفسیری مورد قبول طرفین و احیاناً نقد این قواعد در اندیشه تفسیری دیگر مفسران، اقدام کرده و با استدلال‌ات عقلی و استنادات نقلی، مطابق با معیارهایی همچون: موافقت با دیگر آیات همسو، حجیت ظواهر، هماهنگی با سیاق آیات و مطابقت با عقل برهانی، نادرستی آرای برخی مفسران را تبیین نموده است. ایشان در تفسیر تسنیم با تحلیل نادرستی دلایل آن‌ها، برداشت‌های ناصواب آنان را نفی و مراد واقعی خداوند از آیات قرآن کریم را بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، نقد، تفسیر تسنیم، جوادی آملی

*دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ mhshahroodi@ut.ac.ir

**دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران جنوب؛ mousapor@gmail.com

***استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران؛ pahlevan@ut.ac.ir

****استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران؛ s.shafiei@ut.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

در سال‌های اخیر، پژوهش در تفسیر و شناخت مکاتب آن، به‌منابه مطالعات درجه دوم حوزه تفسیر، مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته است اما بررسی نحوه نگرش هر یک از مفسران به آرای دیگر تفسیرنگاران و نقد اندیشه‌ها و نظرات ایشان، بخش مغفول در روش‌شناسی تفسیر بوده و کمتر به آن توجه شده است، با آنکه این امر می‌تواند در تبیین مبانی و روش‌شناسی تفسیر مؤثر باشد. بدین صورت که توجه به مفسرانی که آرای آن‌ها به‌طور خاص مورد نقد قرار گرفته است و بررسی آبخشور فکری آن‌ها، می‌تواند قواعد تفسیری شخص انتقاد شده و مفسر انتقادکننده را آشکار ساخته و در شناخت تفاسیر، اثرگذار باشد. آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم به این مهم عنایت داشته و به بررسی آرای مفسران برجسته اهتمام ورزیده است و با هدف تبیین آرای تفسیری ناصواب و بیان رای صائب در معانی آیات، آرای مفسران عامه و امامیه را در حوزه‌های گوناگون نقل و تقد کرده است. بر پایه آنچه گذشت، پرسش تحقیق پیش‌رو این است که روش نقد آرای مفسران در تسنیم چیست و با چه معیار و هدفی انجام شده است؟ نگارندگان پژوهش حاضر با در نظر گرفتن مبانی تفسیری آیت‌الله جوادی آملی و با مطالعه نمونه‌هایی از نقد آرای مفسران در تفسیر تسنیم برآند تا شیوه نقد آرای مفسران را در تفسیر تسنیم مورد بررسی و تحلیل قرار داده و رویکرد مؤلف در نقد آرای دیگر مفسران را به شیوه نظام‌مند استخراج نمایند. به این ترتیب می‌توان به شناخت دقیق‌تری از روش تفسیری آیت‌الله جوادی آملی دست یافته، شیوه نقد آرای تفسیری در تسنیم را به‌عنوان یک شاخصه معرفی نمود.

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر که نقد آرای دیگر مفسران در تفسیر تسنیم را مورد ملاحظه قرار می‌دهد دارای پیشینه خاص خود نیست و بر پایه بررسی صورت گرفته این موضوع نخستین بار است که به

دست پژوهش سپرده می‌شود. البته در اینجا ذکر دو مقوله به‌عنوان پیشینه عام این تحقیق شایسته است. یکی اصل موضوع نقد در عالم تفسیر و دیگری مطالعه پیرامون نقدهای دیگر مفسران در آثار تفسیری است. درباره بخش نخست قابل ذکر است که نقد آرای دیگر مفسران در آثار تفسیری، در طول تاریخ این دانش کهن، کمابیش وجود داشته و در برخی از آثار و ادوار تاریخی آن برجسته‌تر شده است. در میان آثار تفسیری متقدم می‌توان از تفاسیری چون: تفسیر ابوعلی جبائی متکلم معتزلی (۲۰۳ ق)، تفسیر «جامع طالبیان» طبری (۳۱۰ ق)، تفسیر «المختزن» ابوالحسن اشعری (۳۲۴ ق)، تفسیر «التبیین» شیخ طوسی (۴۶۰ ق)، «الکشاف» زمخشری (۵۲۸ ق) و «مفاتیح‌الغیب» فخر رازی (۶۰۴ ق) به‌عنوان تفاسیری نام برد که به مناسبت، آرای تفسیری را ذکر و در مقام داوری و ترجیح، به نقد آرای دیگران پرداخته و احیاناً مطالبی به آن اضافه کرده‌اند. در دوران معاصر نیز در تفاسیر «روح المعانی» آلوسی (۱۲۷۰ ق)، «المنار» رشید رضا (۱۳۵۴ ق) و «المیزان» علامه طباطبایی (۱۳۹۲ ق) این مسئله به‌وضوح قابل ملاحظه است. (نک: ابازی، ۱۴۱۴ ق: سراسر اثر).

همچنین درباره مقوله دوم می‌توان به کارهایی که در مورد نقد دیگر مفسران در تفسیر المیزان انجام شده؛ از کتاب «روش‌شناسی نقد آرای مفسران در المیزان» نوشته سید علی‌اکبر ربیع نتاج (۱۳۹۱ ش) و مقاله «روش‌های نقد آرای دیگر مفسران در تفسیر المیزان» نوشته سید رضا موسوی (۱۳۹۰ ش) یاد کرد که به ذکر نمونه‌هایی از نقد در المیزان پرداخته‌اند. با توجه به پیشینه تحقیق در پژوهش‌هایی که تا به حال چاپ شده‌اند، می‌توان گفت که پژوهشی در خصوص «روش‌شناسی نقد آرای مفسران» در تفسیر تسنیم وجود ندارد گرچه پژوهش‌های متعددی در زمینه «روش‌شناسی تفسیری» آیت‌الله جوادی انجام شده که می‌توان به پایان نامه کارشناسی ارشد «روش‌شناسی تفسیر تسنیم» نوشته زینب تقدسی (۱۳۹۱) و پایان نامه

مطلق خود به شناخت روش‌هایی گفته می‌شود که برای رسیدن به شناخت علمی از آن‌ها استفاده می‌شود. روش‌شناسی هر علم، روش‌های مناسب و پذیرفته آن علم برای شناخت هنجارها و قواعد آن است. روش‌شناسی در صدد شناخت روش علم است و در واقع یک علم درجه دو محسوب شده و به بررسی راهی می‌پردازد که ما را در یک علم به معرفت می‌رساند یا به تعبیر دیگر می‌توان آن را علم کشف راه بهره‌گیری از منابع برای رسیدن به غایات و اهداف در یک علم خاص نیز دانست (برنجکار، ۱۳۹۱: ص ۳۷) براین اساس، مقصود از روش‌شناسی، شناخت و بررسی کارآمدی‌ها و ناکارآمدی‌های روش‌های گوناگون است.

۲-۳- نقد

نقد در لغت به معنای جداکردن سره از ناسره و شناختن خوبی‌ها و بدی‌های یک چیز و جدا ساختن درهم‌های تقلبی از درهم-های سالم (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۵، ص ۱۲۹)، خرده‌گیری، نکته-سنجی، سخن‌سنجی و آشکار کردن عیب کلام (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۱۳، ص ۲۰۳۳) و چیزی را نقد کرد، یعنی واریسی کرد تا نیک و بد آن را بشناسد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۳، ص ۲۰۳۳). فرآیند نقد یک روش تحلیلی و سازوکاری در جهت اصلاح اطلاعات و تضمین کیفیت و درستی آن، است که با حوزه‌های گوناگون (ادبی، تاریخی، علمی، عقیدتی) در ارتباط است و توسعه علمی را تسریع می‌نماید. (درودی، ۱۳۹۳: ص ۲۲۲) هدف از نقد متون، یوبایی علمی و تقویت اثر بخشی علم و ارایه اندیشه‌های برتر و تقویت اندیشه است (همان، ۲۳۲ و ۲۲۳) جهان اسلام هیچگاه خالی از سنت نقد نبوده است، مساله نقد و دلایل و مجاز بودن آن را مؤید قرآنی^۱ دارد و از قرون نخست

کارشناسی ارشد «روش‌شناسی تسنیم» اثر طاهره ناجی‌صدره (۱۳۸۹) و مقالات «روش و گرایش تفسیر تسنیم» نوشته مریم ایمانی خوشخو و زینب تقدسی (۱۳۹۵ ش)، «جایگاه روایت در تفسیر تسنیم» (۱۳۹۱) نگاشته سهیلا پیروزفر و طاهره ناجی‌صدره، «مبادی و مبانی تفسیر تسنیم» اثر علی اسلامی (۱۳۸۹) و «روش‌شناسی تفسیر تسنیم» نوشته حمیدرضا فهیمی تبار (۱۳۸۷ ش) اشاره کرد. این پژوهش‌ها به مسائل مربوط به روش‌شناسی تفسیر تسنیم و مبانی تفسیری و رویکرد اجتهادی و جامع‌نگارنده آن پرداخته‌اند ولی در هیچ‌یک از آنها نگرشی نظام‌مند به موضوع آرای مفسران انجام نشده و شیوه مفسر در ذکر آرای سایر مفسران و نقد آن‌ها استخراج نشده است.

۳- مفهوم شناسی

یکی از مواضع اصلی پژوهش، تبیین روشن و تمایز یافته‌ی کلیدواژه‌های است که به عنوان مفاهیم مهم و اساسی در دست پژوهشگر است؛ لذا در ادامه به تبیین واژگانی خواهیم پرداخت که در این مقاله ناگزیر از به‌کارگیری و استفاده آن‌ها هستیم.

۱-۳- روش‌شناسی

«روش» در لغت به معانی گوناگونی چون: طریقه، قاعده، قانون، شیوه، اسلوب، طریق، گونه، رسم، آیین و نهج بیان شده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۷، ص ۱۰۸۲۵) روش هرگونه ابزار و قواعدی است که هنگام پژوهش برای رسیدن به مقصود به کار می‌رود و ممکن است به طریقی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند و قواعدی که هنگام پژوهش به کار می‌روند، نیز ابزار و فنونی که از مجهولات به معلومات راهبری می‌کنند، اطلاق شود (ساروخانی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۲۴). روش‌شناسی، غیر از روش است. روش، مسیری است که دانشمند در سلوک علمی خود طی می‌کند، اما روش‌شناسی، دانش دیگری است که به شناخت آن مسیر می‌پردازد. روش‌شناسی یا متدولوژی «Methodology» وسیله شناخت هر علم است و در مفهوم

^۱ آیات: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِلَايَتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/ ۱۲۵) و «فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر/ ۱۷-۱۸)

۴ - روش نقد آرای مفسران در تفسیر تسنیم

پیش از ورود به اصل بحث، ذکر این نکته شایسته است که در خصوص نقل و طرح آرای مفسران در اثنا تفسیر، نظرات مختلفی وجود دارد. برخی با این برهان که بیان معنای آیات به استناد فهم مفسران دیگر، جایز نیست، طرح آرای دیگر مفسران را روا نمی‌شمارند و در مقابل برخی بررسی شواهد و دلایل سایر مفسران را که مستلزم بیان آرای ایشان است، برای تفسیر قرآن مفید می‌دانند. (بابایی، ۱۳۹۴: ص ۲۸۷) برخی دیگر، با گزینش راهی میانه، فهم مفسران عرب‌زبان نزدیک زمان نزول را، در کشف مفاهیم عرفی کلمات - از باب بنای عقلا بر اعتماد به خبر ثقه و رأی خبره - معتبر می‌دانند. (بابایی، ۱۳۹۶: ص ۲۳۴) به نظر برخی دانشمندان معاصر، آگاهی از این آرای تفسیری، راهی برای شناخت قراین در زمان نزول قرآن و در نتیجه، فهم بهتر آیات قرآن است و موجب کاهش احتمال لغزش مفسر خواهد گردید؛ البته این مطلب به معنای تفسیر تقلیدی نیست بلکه اطلاع از آرای تفسیری می‌تواند در اتخاذ نظریه و نتیجه‌گیری به مفسر کمک کند. (سبحانی، ۱۳۸۲، ص ۲۲). آیت‌الله جوادی آملی معتقد است سخنی که پشتوانه معقول یا منقول نداشته باشد، با نقد مستدل، به نحو نقض یا منع یا معارضه فرومی‌ریزد. (جوادی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۶۸). آنچه در شناخت روش آیت‌الله جوادی و تحلیل آن به‌ویژه در مقام نقد آرای تفسیری اهمیت دارد، «وجود معیار» و «کاربست» یکسان آن در تمام موارد مشابه است که می‌شود از آن به روش نقد یادکرد. در ادامه به مطالعه و بررسی گونه‌های نقد آرای مفسران در سه بخش: نقد از طریق استناد به «دلالیت آیه یا آیاتی از قرآن»، نقد به استناد «باورهای علمی متقن» و نقد با توجه به «سیاق»^۱ می‌پردازیم. در مطالعه تفسیر تسنیم با این موارد

هجری کتاب‌هایی در رد عقاید نوشته شده است. (خرمشاهی، ۱۳۶۳: ص ۹) و این مساله در تفاسیر نیز، فراوان به چشم می‌خورد.

۳-۳- رأی

«رأی» را واژه شناسان به معنای دیدن، اعم از دیدن ظاهری و با چشم، یا دیدن غیر ظاهری و ادراک و کسب آگاهی دانسته‌اند که گاه بی واسطه حرف جرّ، متعدی به کار می‌رود و یک مفعول می‌گیرد که مفید معنای رؤیت و دیدن ظاهری است و گاه دو مفعول می‌گیرد و مفید معنای علم و دانستن است. گاه نیز با حرف جرّ «إلی» می‌آید که به معنای نظر انداختن و نگاه کردن به قصد عبرت است؛ (راغب، ۱۴۱۲: ص ۳۷۳) ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۴، ص ۲۹۱-۲۹۲) نیز واژه «رأی» را به معنای نظریه و اندیشه انسان درباره موضوعی شمرده‌اند و به معنای فکر و اندیشه و نظر و عقیده نیر آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۷، ص ۱۰۴۲۵)

۳-۴- تفسیر تسنیم

این اثر قرآنی، تفسیری جامع به روش اجتهادی با استفاده حداکثری از قرآن است. این کتاب به زبان فارسی است ولی با توجه به تخصصی بودنش که لازمه آن، استفاده از اصطلاحات علمی، مانند فلسفه، منطق، اصول فقه و علوم ادبی است، نیز زبان خاص ادبی مؤلف، فهم آن ثقیل شده است. تفسیر تسنیم که تاکنون بخش‌هایی از آن در قالب ۵۴ مجلد به زیور طبع درآمده، شامل یک مقدمه جامع در ده فصل با محتوای: زبان قرآن، امکان و ضرورت تفسیر قرآن، منابع تفسیری و اقسام تفسیر، شرح روش تفسیری قرآن به قرآن، قرآن به سنت و قرآن به عقل، شبهات پیرامون روش تفسیری، اقسام تفسیر به رأی و شأن نزول و فضا و جو نزول و مفاهیم قرآن از دیدگاه اهل عصمت پرداخته است. (فهیمی تبار، ۱۳۸۷، ص ۱۷)

^۱ دانشمندان معاصر اصول در ضمن مباحث الفاظ از سیاق یاد کرده اند و اقتضای این امر آن است که موارد صورت گرفته از نقد بر پایه سیاق در ضمن استناد به باورهای علمی یاد شود ولی به جهت نگاه قرآنیان به سیاق بعنوان یک امر مستقل در این بخش

شواهد متعددی یافت می‌شود که در این مجال برای رعایت اختصار تنها به یک نمونه از هر مورد اکتفا می‌شود:

۴-۱-۱- نقد آرای تفسیری بر اساس آیات مرتبط

نظر به اینکه آیات قرآن مفسر یکدیگرند، در تفسیر قرآن به قرآن، از برخی آیات، به‌عنوان قرینه فهم و تفسیر آیات دیگر استفاده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۵، ص ۳۰) در تفسیر تسنیم نیز، آیت‌الله جوادی که روش تفسیری قرآن به قرآن را بهترین روش فهم آیات و قرآن را مهم‌ترین منبع تفسیر می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۵۷) و معتقد است: «در این روش، هر آیه از قرآن کریم با تدبّر در سایر آیات قرآنی و بهره‌گیری از آن‌ها باز و شکوفا می‌شود و تبیین آیات فرعی به‌وسیله آیات اصلی و محوری و استناد و استدلال به آیات قوی‌تر صورت می‌گیرد. براین اساس است که برخی از آیات قرآن کریم همه مواد لازم را برای پی‌ریزی یک بنیان مرصوص معرفتی در خود دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۶۱) از این رو می‌توان انتظار داشت که در تفسیر تسنیم، قرآن مهم‌ترین «معیار نقد آرای تفسیری» باشد. با بررسی نمونه‌هایی از تسنیم مشاهده می‌شود که مولف با استناد به آیات قرآن، آرای مفسران را از جهات گوناگون، از جمله جنبه‌های ذیل نقد کرده است:

۴-۱-۱-۱- نقد برداشت‌های تفسیری در حوزه واژگان

فهم معنای واژگان (اعم از مفردات اسمی و ادوات) که از آن نیز به مفردات یادشده، در تفسیر قرآن از علوم ضروری است (سیوطی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۳۸۲) و باید برداشت مفسر در بخش معانی اسمی (شامل اسما و افعال) مطابق با منابع معتبر و بر اساس دلایل و مستندات باشد و قرائن متصل و منفصل نیز در فهم آیات لحاظ گردد. (رجبی، ۱۳۹۶: ص ۷۸) و در این صورت

است که به معنای اخذ شده می‌توان به‌عنوان مراد از آیات قرآن، اعتماد نمود. همچنین پاره‌ای از ترکیب‌ها (اعم از ترکیب اضافی، ترکیب وصفی، ترکیب مزجی و احياناً ترکیب‌های اسنادی) در تفسیر تسنیم با استناد به قرآن کریم معنایی می‌شود و متقابلاً دیدگاه‌های رقیب بدین نحو نقد و احياناً ابطال می‌گردد.

۴-۱-۱-۱-۱- نقد برداشت‌های تفسیری در معانی مفردات^۱

مفسر تسنیم در مواضع فراوانی برای اثبات مفاهیم مفردات آیه، به دیگر آیات مرتبط با آیه مورد بحث عنایت می‌ورزد و از آن برای تأیید دیدگاه مختار خود، بهره می‌گیرد؛ چه اینکه ایشان بر این باور است که هر آیه از قرآن کریم با تدبّر در سایر آیات قرآنی و بهره‌گیری از آن‌ها تبیین می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۶۱)؛ به‌عنوان نمونه‌ای از این مورد می‌توان از «صلاه» بکار رفته در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ...» (نساء/۴۳) یاد کرد. آیت‌الله جوادی پس از این استظهار در فهم این آیه، به بررسی نظرات مفسران پرداخته است؛ به نظر این مفسران مراد از «الصلاة» در این آیه یا «نماز» به قرینه «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» است؛ یعنی باحالت مستی وارد نماز نشوید تا بفهمید با خدای سبحان چه می‌گویید؛ یا «مکان نماز»، یعنی «مسجد»، یعنی در حال مستی وارد مسجد نشوید و از شافعی نقل شده که استعمال لفظ «الصلاة» در هر دو معنای یاد شده، صحیح است (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ج ۵، ص ۹۲) و (قرطبی، ۱۳۸۴: ج ۵، ص ۱۷۶) مولف تسنیم معتقد است با آنکه استعمال لفظ در بیش از یک معنا محذوری ندارد ولی در این آیه مصحح و قرینه بر اینکه هر دو معنا مراد آیه باشند وجود ندارد و با استناد به آیه ۴۰ سوره حج: «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ

^۱ مفردات در اندیشه عالمان قرآنی شامل اسما و افعال و مترادف با واژگان مفاهیم اسمی در منظر اصولیان شامل اسما و افعال می‌باشد و در مقابل آن معانی حرفی، قرار دارد. (مظفر، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۳۰) (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۵۰)

نقد های صورت گرفته در تسنیم بوسیله سیاق در پایان این بخش وبه طور مجزا بیان خواهد گردید.

کثیراً» (حج/۴۰) که از کلمه «صَلَوَات» محل نیایش و معبد، اراده شده، مراد از «صلوات»، مسجد است، سپس به عنوان موید این برداشت به روایتی از امام باقر(ع) استناد می‌نماید. در واقع ایشان دو قرینه آیه و روایت را بر متن «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» ترجیح داده و مراد از «الصَّلَاة» را مکان عبادت و مسجد دانسته است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ج ۱۹، ص ۳۷-۴۰)

۴-۲-۱-۱- نقد برداشت‌های تفسیری در معنای حروف

از دید عالمان قرآن و مفسران، حروف از اهمیت بالایی برخوردار است و ایشان برای آن کتاب‌ها و آثاری تدوین کرده‌اند؛ چه اینکه حروف در زبان عربی دارای معانی متعدد و کارکردهای نحوی گوناگون است و این خود موجب اختلاف در فهم مفاهیم قرآن می‌گردد. از این رو توجه به معانی خاص این حروف و دقت در قرینه‌های آن موجب دریافت صحیح مراد الهی می‌شود؛ لذا دقت در برداشت مفسر در مورد «احرف معانی» از بزرگ‌های نقد علمی محسوب می‌شود.

همان‌طور که گذشت، آیت‌الله جوادی علاوه بر نقد بر مفسران، از حیث برداشت آنان در حوزه مفردات اسمی، آنها را در بخش ادوات و حروف نیز نقد کرده است. ایشان ذیل آیه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ لَلْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَهِنْ ثُلَاثًا مَا تَرَكَ وَ إِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَ لِأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَوَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَوَلَدٌ وَرِثَةٌ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء/ ۱۱)، در تبیین معنای «مِن» در عبارت: «مِمَّا تَرَكَ» بر نظر صاحب

المیزان اشکال وارد کرده و می‌گوید: «این سخن استاد علامه لطیف است و در بیشتر موارد تطبیق می‌کند و شواهدی دارد؛ ولی فراگیر نیست.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۷، ص ۵۲۳). توضیح اینکه علامه طباطبایی (ره) بر آن است که در قرآن کریم، سهم‌های معادل با نصف یا بیش از آن، بدون حرف «من» بیان شده اما سهم‌های کمتر از نصف مانند: یک‌چهارم و یک‌هشتم با حرف «من» ذکر شده است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۲۲۵-۲۲۶). آیت‌الله جوادی آملی با آوردن مثال نقض و اشاره به برخی آیات قرآن مانند: آیات ۱۲ و ۱۷۶ سوره نساء به‌عنوان شواهدی از قرآن که در آنها برای کمتر از نصف، حرف «من» ذکر نشده، نظر علامه را فراگیر نمی‌داند و بر این باور است که آیه شریفه «وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ» (نساء/ ۱۲) به کمتر از نصف اشاره دارد ولی حرف «من» در آن ذکر نشده است و متقابلاً گاهی در بیشتر از نصف کلمه «من» ذکر شده؛ مثل آیه «فَإِنْ كَانَتْ إِثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ» (نساء/ ۱۷۶) که کلمه «من» در «مِمَّا تَرَكَ» به کاررفته با اینکه کمیت مورد نظر در آن، بیش از نصف است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۷، ص ۵۲۱-۵۲۳)

۴-۲- نقد با استفاده از قواعد علمی

مؤلف تسنیم آگاهی از یافته‌های معرفتی و قواعد علوم به‌ویژه عربی در بخش‌های مختلف: لغت، صرف و نحو، معانی، بیان، بدیع، تشبیه و استعاره و سایر شئون ادبی را مقدمه‌ای برای استنباط و فهم معارف قرآن می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۱۵) و دقت در نکات ابتکاری قرآن به همراه فنون ادبی زبان عرب را در استنباط صحیح معارف قرآن، امری ضروری می‌شمرد (همان، ص ۲۲۱)؛ لذا یکی از معیارهای مورد استفاده ایشان در نقد آرای تفسیری دیگران، استناد به یافته‌ها و قواعد دانش مرتبط با موضع نقد در تفسیر است. ایشان گاه از یافته‌های علم اللغة (شامل ادوات و مفردات)، گاه از قواعد نحو، صرف و

^۱ «احرف المعانی» در مقابل «احرف المبانی»، گونه‌های مختلف حروف اند که دارای معنایی غیر مستقل در جمله اند و دانشمندی همچون ابن هشام در باب یکم المغنی و سیوطی در نوع چهل‌م الانتقان به طور مبسوط به بیان معانی این حروف، عملکرد نحوی و انواع هر یک اهتمام کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۲۱: ج ۱، ص ۴۵۴)

گاه از قواعد علوم بلاغت و احیاناً دیگر علوم همچون: منطق، کلام، اصول و ... برای نقد اندیشه تفسیری دیگران بهره می‌گیرد. ارائه نمونه‌هایی از نقد آرای تفسیری مستند به دانش‌های مرتبط با آن، مطلب فوق را روشن می‌سازد. البته ایشان به این قواعد تصریح نمی‌کنند و تنها به آن‌ها استناد کرده و استدلال می‌نمایند. کشف کاربست یافته‌های این دانش‌ها از قراین امکان‌پذیر است. به جهت رعایت حجم مقاله تنها به مواردی از نقد بر پایه برخی از مهم‌ترین علوم ادبی بسنده می‌شود:

۲-۲-۴- نقد دیدگاه تفسیری بر پایه دانش صرف

آیت‌الله جوادی در آیه «وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء / ۶۹) با توجه به مبانی و روش تفسیری خود در تفسیر قرآن به قرآن، رأی شیخ طوسی و امین الاسلام طبرسی را در واژه «شهید» به معنی کسی که در راه خدا کشته می‌شود، دارای مؤید قرآنی نمی‌داند؛ هرچند ممکن است مؤید روایی داشته باشد. مؤلف تسنیم همچنین ادله قرآنی فخر رازی در مفهوم کلمه شهید، به معنای شهادت دادن به صحت دین بایان و یا شمشیر و جنگ، به استناد «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران / ۱۸) را صائب نمی‌داند و بر این نظر است که در قرآن کریم کلمه شهید به معنایی که فخر رازی اراده کرده نیامده است. ایشان چنین استدلال می‌کند که در آیه ۱۸ آل عمران، مضمون آیه، شهادت خداوند به وحدانیت خود و «فعل ماضی» به کاربرده شده در آن، نشانه ازلیت فعل است. ایشان بر طبق قرآن کریم، آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران / ۱۶۹) و «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (بقره / ۱۵۴) و بر طبق آیه «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» (نساء / ۴۱) معنی شهید را گواهان اعمال می‌داند و کشته‌شدگان در راه خدا را به «قتیل فی سبیل الله» یاد می‌کند. در واقع نظر مختار آیت‌الله جوادی با تکیه بر آیات قرآن این است که شهدا همان گواهان اعمال هستند.

(جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۹، ص ۷۰۸ و ص ۴۴۲-۴۴۴)

۱-۲-۴- نقد دیدگاه تفسیری بر پایه دانش مفردات

فخر رازی در تفسیر آیه «... رَبِّ بِمَا أُغْوَيْتَنِي لِأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...» (حجر / ۳۹)، معتقد است که حرف «باء» در «بما اغویتنی»، مفید قسم و «ما» در این عبارت، مصدری و جمله «لازین» جواب قسم است، چنان‌که حرف «باء» در آیه «... فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ...» (ص / ۸۲) برای قسم است، با این تفاوت که عزت خدا صفت ذات اوست ولی اغوای او صفت فعل اوست؛ چه اینکه فخر رازی، اغواگر بودن شیطان را کار خدا می‌داند و آن را مقدس می‌شمارد. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۹، ص ۱۴۲) آیت‌الله جوادی بر این نظر است که اولاً با توجه به قواعد عربی، «باء» قسم در مواردی مانند اغوا و اضلال به کار نمی‌رود و «باء» در «بما اغویتنی» برای سببیت و «ما» نیز موصول و «لام» در «لازین» برای تأکید است. ثانیاً با توجه به آیه «قَالَ مَا مَنَّكَ آلَا تَسْجُدَ...» (اعراف / ۱۲) اگر اغواگری شیطان، کار خدا بود، خداوند، او را از درگاه خویش نمی‌راند و او را زیر سؤال نمی‌برد که چرا سجده نکردی. همچنین بر اساس آیه «... يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» (بقره / ۲۶) خداوند، اضلال ابتدایی ندارد بلکه

^۱ اصولاً مقسم به اموری ارزشمند همچون ذات باری تعالی، نفس شریف نبوی، زمانها، مکان‌ها و اشیاء گرانسنگ نظام هستی است. بنابراین انکار آیت‌الله جوادی در مورد اینکه اغواء (مصدر موول به دست آمده از ما اغویتنی) مقسم به باشد

۳-۲-۴- نقد برداشت تفسیری بر پایه نحو

بی‌تردید دانش‌های بلاغی تأثیر فراوانی در فهم آیات قرآن دارد و تمسک به آن ابزاری قوی در نقد آرای تفسیری است؛ اما در میان ابواب و مسائل فراوان بلاغی مورداستفاده در تفسیر، همچون: خبر و انشاء، ایجاز و اطناب، فصل و وصل، تشبیه و استعاره، کنایه و تعریض و ... مقوله «مجاز» نقش پررنگ‌تری در عالم تفسیر دارد. در ادامه به نمونه‌ای از این دست در تفسیر تسنیم پرداخته می‌شود؛ آیت‌الله جوادی در مقام تفسیر آیه «انَّ الَّذِیْنَ یَاكُلُوْنَ اَمْوَالَ الْاِیْتَامِ ظُلْمًا اِنَّمَا یَاكُلُوْنَ فِی بُطُوْنِهِمْ نَارًا وَ سَیَصْلُوْنَ سَعِیْرًا» (نساء/۱۰) در خصوص «یَاكُلُوْنَ فِی بُطُوْنِهِمْ نَارًا» که کیفر تصرف ظالمانه در مال یتیم را آتش‌خواری معین کرده، برداشت المنار که منظور آیه را تشبیه و آن را مجاز دانسته (المنار، ج ۴، ص ۳۲۸)، نقد و رد کرده است. آیت‌الله جوادی آملی با توجه به اینکه در این آیه سخنی از تشبیه نیست، «اکل نار» را استعاره که خود نوع بارز مجاز است نمی‌داند، بلکه واقعیتی می‌شمرد که در قیامت ظاهر می‌شود و نظر المنار در مجاز بودن عبارت را رد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ج ۱۷، ص ۴۷۸) او در تأیید به آیه ۱۵ سوره جن و ۶۴ سوره صافات و ۲۴ سوره بقره نیز اشاره می‌کند و معتقد است کسی که ظالمانه در اموال یتیم تصرف می‌کند، در حقیقت آتش می‌خورد؛ و نباید آن را مجاز در اسناد یا مجاز در کلمه پنداشت. چه اینکه زمانی می‌توان آیه را بر مجاز عقلی یا لغوی حمل کرد که دلیل عقلی یا نقلی معتبر برخلاف مفاد آن اقامه شده باشد. ایشان در ادامه اظهار می‌دارد این برداشت در برخی از روایات تأیید شده است؛ مانند روایت معراج پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که بر اساس آن، حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حقیقت آنان را به شکلی دید که آتش به شکم آنها وارد و از پشتشان خارج می‌شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۷، ص ۴۷۶-۴۷۹)

مطالعه تفاسیر نشان می‌دهد که استفاده از دانش نحو و متقابلاً نقد آرای دیگران به استناد قاعده نحوی در تفسیر قرآن کریم بسیار شایع بوده و هست. به‌طور نمونه آیت‌الله جوادی، نظر شیخ طوسی را در آیه: «وَالْقَىٰ فِی الْاَرْضِ رَوَاسِیْ اَنْ تَمِیْدَ بِكُمْ وَ اَنْهَارًا وَ سُبُلًا لِّعَلَّكُمْ تَهْتَدُوْنَ» (نحل/۱۵) که فعل «جعل» را در تقدیر می‌گیرد و معتقد است: آیه، در اصل «جعل لکم انهارا» بوده، نقد می‌کند؛ چه اینکه او بر این باور بوده که نمی‌توان «انهارا» را بر «رواسی» که مفعول القی است، عطف کرد؛ زیرا القاء (برخلاف رواسی) به انهار تعلق پیدا نمی‌کند (طوسی، ۱۴۱۳: ج ۶، ص ۶۷) آیت‌الله جوادی تقدیر منقول را درست، ولی دلیل شیخ طوسی را به دلیل قواعد عربی نادرست می‌داند و نهار را عطف بر رواسی می‌شمرد. ایشان در ادامه، رأی زمخشری را مبنی بر اینکه «القی» معنای «جَعَلَ» را در بردارد و «انهارا» عطف بر «رواسی» است (زمخشری، ۱۴۱۶: ج ۲ ص ۵۹۸)، در تأیید نظر خود ذکر می‌نماید. (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ج ۴۵، ص ۵۴۷) مستند آیت‌الله جوادی در این آیه از دیگر سو می‌تواند به دلیل طرح مسئله «تقدیر» که ملازم با ایجاز حذف است یا به دلیل «تضمین» معنای «جَعَلَ» در فعل «القی»، از قواعد علوم بلاغی نیز تلقی شود اما آنچه گفته شد مورد توجه نحویان، پیش و بیش از علمای بلاغت است. آنها در عبارت «علفته تنبا و ماء باردا» به دلیل آنکه «علفت» به ماء تعلق پیدا نمی‌کند فعل «شربت» در تقدیر می‌گیرند نظیر آنچه شیخ طوسی عمل کرده ولی آیت‌الله جوادی، این آیه را از مقوله مثال فوق نمی‌داند و عطف «انهارا» بر «رواسی» را کاملاً صحیح می‌شمرد. (سیوطی، ۱۴۳۰: ج ۱، ص ۲۱۴)

۳-۲-۴- نقد رأی تفسیری بر پایه علوم بلاغی با تأکید بر

مجاز

۵-۲-۴- نقد بر پایه استناد به اصول فقه با تأکید بر «اصاله الظهور»^۱

بخش به دلیل رعایت اختصار، به برخی از نمونه‌های آن موارد اشاره می‌شود:

آیت‌الله جوادی در آیه ۶۴ سوره نسا «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» نظر فخر رازی در برداشت ایذا النبی از آیه و لزوم رضایت پیامبر خواستن از سوی منافقان را توجیه نادرست درباره استغفار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌داند و می‌گوید که این برداشت با ظاهر آیه شریفه سازگاری ندارد. فخر رازی بر این نظر است که منافقانی که با رجوع به طاغوت و اعراض از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن حضرت را اذیت و به حق او تعدی کردند، پس از توبه باید رضایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نیز به دست آورند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۱۶۷) آیت‌الله جوادی این نظر را نقد ورد کرده و مراد آیه را مسئله شفاعت و توسل به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بیان می‌کند؛ نه تحصیل رضایت صاحب حق را و توجیه فخر رازی را انصراف از آیه شریفه است؛ آیت‌الله جوادی آملی بیان می‌کند که از ظاهر آیه شریفه چنین برداشت می‌شود که: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مرجع ویژه است و چنانچه گناهکاران برای آمرزش به محضر او برسند و به رسالت آن حضرت ایمان آورند و افزون بر آنکه خود استغفار می‌کنند، پیامبر برایشان آمرزش بخواهد، خدای سبحان را تَوَّاب و رحیم می‌یابند، پس سخن از رضایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و چشم‌پوشی وی از حق خودش نیست، (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ص ۳۵۹) در نتیجه آیه شریفه با مسئله ایذاء النبی ارتباطی ندارد.

رشید رضا در آیه «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا...» (انعام/ ۹۱) بر این نظر است که مرجع ضمیر «قدروا»، مشرکان هستند با این دلیل که: چون سوره انعام در مکه نازل شده، روی احتجاج پیامبر با مشرکان بوده است و در سوره‌های مدنی

در ادبیات اصولیان، ظهور عبارت است از «حضور معنا از لفظ در ذهن و ظهور مراد متکلم در آن». ایشان بر پایه ادله بیرونی معتقدند چنین معنایی که به آن ظاهر گفته می‌شود، حجت است؛ در مقابل نص، معنایی است به صورت قطعی که احتمال معنای دیگر در آن نمی‌رود و حجیت آن ذاتی است (المظفر، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۳۷) بنابراین ظاهر (که جمع آن ظواهر می‌شود) عبارت است از معنای حضور یافته در ذهن انسان‌ها از یک عبارت، در نتیجه مراد از حجیت ظواهر، صحت تمسک به معنای تحقق یافته از عبارت در ذهن است (همان، ج ۳، ص ۳۱۴).^۲ آیت‌الله جوادی همچون دیگر مفسران اصولی، معتقد است که ظواهر قرآن برای همه انسان‌های آشنا با زبان عربی، حجت است و فهم قرآن کریم در حد تفسیر (و نه تأویل) و فهم ظواهر الفاظ آن، میسر همگان است و نه تنها معصومان آن را به خود منحصر نساخته‌اند، بلکه مردم را به آن تشویق و ترغیب کرده‌اند (جوادی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۹۰)؛ بر این اساس، ایشان با استناد به حجیت ظواهر آیات، برخی از مفسران را نقد می‌کند که در این

^۱ دانش اصول، تنها در دانش فقه کارایی ندارد و قواعد بسیاری از آن در تفسیر قرآن قابل کاربست است. در این بخش برای اثبات کارایی دانش اصول در استناد و نقد آرای تفسیری به یکی از مهم‌ترین ثمرات این دانش در تفسیر، یعنی «اصاله الظهور» استشهد می‌کنیم. توضیح اینکه یکی از بخش‌های دانش اصول فقه، مباحث حجت است که در آن از منابعی که به خودی خود افاده یقین نمی‌کنند اما از خارج دلیلی بر اعتبار و حجیت آن وجود دارد بحث می‌شود و از مهم‌ترین این مباحث «حجیت ظهور» یا «اصاله الظهور» به مثابه اصلی عقلایی است (المظفر، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۳۹)

^۲ دانشمندان قرآن پژوه (به استثنای اخباریان که تمسک به ظواهر قرآن را بدون رعایت روایات مرتبط با آیه متناظر حجت نمی‌دانند) قابل به حجیت ظواهر قرآن هستند و ظاهر کلام و استناد به ظواهر متن را برای فهم مراد گوینده آن، روش عقلا می‌دانند و در این رابطه سیره مشرعه و سیره عقلا را که تمسک به کتاب و سنت و عمل به آن دو را الزامی دانسته، دلیل حجیت ظواهر می‌داند (صدر، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۱۸۰) و چون شارع مقدس، استفاده از این روش در فهم قرآن را منع نکرده؛ پس این روش عقلا در فهم و تفسیر قرآن، حجت است. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۸۱)

مستدل، به نحو نقض یا منع یا معارضه فرومی‌ریزد.» (جوادی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۶۸)؛ ایشان معتقد است که: «اگر کسی برای مطلبی دلیلی آورد از سهراب می‌توان به آن پاسخ داد: روش نخست، منع دلیل است؛ یعنی: نفوذ در خود دلیل و ازکارانداختن آن. روش دوم، نقض دلیل است؛ یعنی: مشابه همین دلیل را درجایی دیگر شاهد بیاورند که اقامه شده ولی بی‌نتیجه بوده است و روش سوم، معارضه است که با اصل دلیل کاری ندارد ولی دلیل دیگری در عرض آن اقامه می‌کند» (جوادی، ۱۳۹۶: ج ۴۶، ص ۸۷).

بر پایه آنچه گذشت آیت‌الله جوادی به نقد برخی آرای تفسیری از منظر فوق می‌پردازد. به‌عنوان نمونه در آیه «إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَىِّ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ فَانَّى تُؤَفَّكُونَ» (انعام/۹۵) فخر رازی با بیان یکسان بودن نسبت ممکن‌الوجود به وجود و عدم و اینکه سلسله ممکنات باید به واجب برسد، نتیجه می‌گیرد که افعال انسان که همه ممکن‌اند باید به واجب یعنی خدا برسد و با این بیان، برداشت جبری از آیه دارد. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۳، ص ۷۵) آیت‌الله جوادی استدلال فخر را رد می‌کند و دلیل برداشت جبری فخر رازی در این آیه را خلط جبر علی‌با جبر در مقابل تفویض که از شئون انسان است، می‌داند. آیت‌الله جوادی آملی در عین اینکه اصل جبر علی را مبنی بر اینکه سلسله ممکنات باید به واجب برسند، صحیح می‌داند ولی اراده و اختیار را یکی از مبادی علی و عوامل صدور افعال اختیاری انسان می‌شمارد؛ یعنی انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که برای انجام کارها فکر می‌کند و صدور

مواجهه با اهل کتاب از نظر واقعیت تاریخی پذیرفتنی‌تر به نظر می‌رسد. (المنار، ج ۷، ص ۵۰۹) آیت‌الله جوادی این نظر را به دلیل مخالفت با ظاهر آیه، صحیح نمی‌شمارد و بر اساس ظاهر آیه و قرائن داخلی آن (اشاره به قضیه کلیه انزال کتاب و وحی الهی) بر این نظر است که این آیه در مواجهه با یهود بوده است؛ زیرا ضمیر «قالوا» به یهود برمی‌گردد؛ بنابراین احتمال اینکه مرجع ضمیر فاعلی «قدروا» و «قالوا» به مشرکان برگردد، منتفی است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ج ۲۶، ص ۲۹۵) ایشان می‌گوید: هر چند در بیشتر احتجاجات پیامبر در مکه، روی سخن ایشان با مشرکان بوده، نمی‌توان گفت که در ۱۳ سال حضور در مکه، هیچ مناظره عقیدتی با اهل کتاب نداشته‌اند؛ زیرا در آیات دیگری از قرآن همچون آیات ۱۰۳ و ۱۷۶ سوره اعراف و آیات ۵۱ تا ۵۳ سوره مریم، احتجاج با اهل کتاب به چشم می‌خورد و ثابت نشدن وجود اهل کتاب در مکه سبب عدول از ظاهر آیه نمی‌شود. (همان، ص ۲۹۵-۳۰۰)

آیت‌الله جوادی نظرات مفسران در آیه «وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نحل/۳۵) مبنی بر اینکه اثبات جبر می‌کند (تفسیر کبیر، ۱۴۲۰: ج ۲۰، ص ۲۰۴) یا مبطل جبر و اثبات تفویض است، (زمخشری، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۶۰۴) را نقد می‌کند و بر این باور است که از ظاهر آیه جبر یا تفویض به دست نمی‌آید؛ زیرا اراده تکوینی الهی چه مستقیم و چه بی‌واسطه بر شرک مشرکان تعلق نگرفته است و نمی‌گیرد. بلکه در نظام تکوین همه مجاری آزادی در اراده، اختیار و انتخاب را فراهم ساخته است. (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ج ۴۶، ص ۹۹)

۶-۲-۴- استناد به قواعد عقلی

آیت‌الله جوادی آملی به‌عنوان مفسری عقل‌گرا بر این باور است که: «سخنی که پشتوانه معقول یا منقول نداشته باشد، با نقد

^۱ خدا شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد.

چنین است خدای شما؛ پس چگونه [از حق] منحرف می‌شوید؟

^۲ این قانون را که علت، ضرورت دهنده به معلول است و معلول تا وجوب و ضرورت پیدا نکند، وجود پیدا نمی‌کند «قانون جبر علی و معلولی» می‌خوانیم. (طباطبائی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۴۱۴). علت تامه تا وجود معلول را ضروری نکند، آن را به‌وجود نمی‌آورد و به‌عبارت دیگر، ممکن تا به‌وسیله علت، واجب نشود، موجود نمی‌گردد (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۲: ج ۲، صص ۲۹۵-۳۰۳)

این حالت غیب به معنای قلب یا همان حقیقت انسان است؛ مانند: «...قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ...» (مائده / ۴۱) ۳- «صله و تعدیه» و بر این اساس مراد از غیب، عالم غیب، به ویژه خدای سبحان و اسماء و صفات اوست. مؤلف تسنیم احتمال سوم را بر اساس رعایت سیاق ارجح می‌داند و نظر فخر رازی را نقد و رد می‌کند. ایشان بر آن است که وحدت سیاق اقتضا می‌کند که حرف باء در آیه فوق به تعبیر اهل ادب از جنس «صله و تعدیه» و در نتیجه غیب متعلق ایمان باشد، چنانکه ظاهر لفظ «باء» در آیه بعدی «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (بقره/ ۴) نیز قطعاً برای «تعدیه و صله» است. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۶۰)

۴-۴-۴- نقد با چند معیار

در برخی از مواضع نقد، مؤلف تسنیم در رد آرای تفسیری دیگران، به نقد از یک روش اکتفا نکرده و از چندین جنبه، موضع نقص یا خطا در برداشت تفسیری را تبیین می‌کند. در این میان گاه از ترکیب استدلال و سیاق بهره می‌گیرد و گاه نظر به هم‌افزایی دلالت‌های قرآنی و براهین عقلی دارد. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود:

۴-۴-۱- استناد به سیاق و آیات دیگر

در مطالعه دیدگاه‌های مفسران در آیه «... یوم یاتیههم العذاب...» (ابراهیم / ۴۴) مشاهده می‌شود که نظرات ایشان در مقام تعیین این روز متفاوت است: برخی آن را به روز مرگ و هنگام جان دادن تفسیر کرده (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶ ص ۴۹۴ نقل از دیگران) (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۹، ص ۱۰۹)، برخی آن را به روز رستاخیز تعبیر کرده (زمخسری، ۱۴۰۷: ج ۲، ص ۵۶۴) و برخی مراد از آن را کیفر دنیایی و عذاب استیصال دانسته‌اند که در برابر کیفر رستاخیز است (طباطبایی، ۱۳۷۸: ج ۱۲ ص ۸۳).

فعلش از روی اختیارش قهری است؛ یعنی انسان، فاعل بالاختر است نه مختار بالاختر و اختیار و اراده او به انجام و ترک فعل، به خدا مستند است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ج ۲۶، صص ۳۸۳-۳۸۴).

۴-۳- نقد با استناد به سیاق

در ادبیات مفسران، سیاق - با آنکه بسیار مورد استفاده قرار گرفته - همچنان جایگاه علمی‌اش مشخص نیست جز آنکه به نظر می‌رسد بیشترین قرابت را با دانش اصول و مباحث الفاظ آن بخصوص مقومات ظهور دارد. به نظر آیت‌الله جوادی آملی، گاهی از ظهور متکی بر سیاق آیات، معنای آیه‌ای روشن می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۱۱۲). امروزه با رواج دانش معناشناسی و توجه به دلالت‌های درون‌متنی، سیاق بیشتر شناخته می‌شود. از دیدگاه برخی از معاصران، سیاق نوعی ویژگی برای کلمات یا عبارات یا یک‌سخن است که بر اثر همراه بودن آن‌ها با کلمات و جملات دیگری به وجود می‌آید. (بابایی، ۱۳۹۶: ص ۱۲۰) سیاق بیشتر در میان علمای تفسیر، فقه و اصول مورد استفاده است. ایشان به ویژه مفسران و عالمان قرآنی به تأثیر مهم سیاق در فهم مفاد آیات تأکید دارند و در تفسیر قرآن از آن بهره جسته‌اند (زرکشی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۱۳ و ۴۲۷). اکنون نمونه‌ای از کاربرد سیاق در نقد آرای تفسیری صورت گرفته در تسنیم ارائه می‌گردد:

آن‌سان که گذشت، اصل قرینه بودن سیاق و تأثیر آن در تعیین معانی واژه‌ها و مفاد جملات از اصول عقلایی محاوره است که مفسران در فهم متون دینی به آن توجه نموده‌اند (رجبی، ۱۳۹۶: ص ۸۹-۹۰). آیت‌الله جوادی در آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (بقره/ ۳)، برای معنای «باء» در «بالغیب» سه احتمال، ذکر می‌کند: ۱- «ظرفیت» که در این صورت مراد از غیب، خفاء و خلوت است؛ نظیر: «... لِعَلَّمِ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ...» (مائده / ۹۴)، ۲- «سببیت» و در

نافع. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ج ۴۲، ص ۲۴۷) ایشان توهّم جبر از عبارت «الله خالق کل شیء» را گذشته از بطلان عقلی، با متن آیه هم ناسازگار می‌شمرد؛ زیرا عنصر محوری آیه، توییح، تقبیح، تحریم و ابعاد به عقاب نسبت به عبادت بت‌ها است و اگر پرستش آن‌ها جبری باشد، مجالی برای تقبیح نخواهد بود. همچنین از نظر ایشان پندار باطل جبری‌ها به استناد عموم خلقت خدا، گذشته از امتناع عقلی با متن آیه مورد بحث منافی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ج ۴۲، ص ۲۴۷)

۳-۴-۴- استناد به سیاق و مفاهیم آیات دیگر قرآن

برخی از مفسران می‌گویند آیه صفح «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأَتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر/۸۵) با آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفْرَانَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (توبه/۷۳) و «...أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ...» (توبه/۵) نسخ شده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۵ ص ۳۴۷، زمخشری، ۱۴۱۶: ج ۲ ص ۵۸۷) آیت‌الله جوادی آملی بر این نظر است که با در نظر گرفتن سیاق آیات و تفسیر آیه صفح همراه آیه «...لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ...» (حجر/۸۸) (دو آیه بعد از آیه مورد بحث) آیه به نحوی تفسیر می‌شود که پس از نزول آیه سیف اعتبار داشته باشد، ضمن اینکه دستور به عفو و صفح از سوی خدا، فرمان همیشگی و همگانی است و با آیات جهاد ناسازگار نیست که یکی دیگری را نسخ کند. مولف تسنیم با ذکر مؤیدات قرآنی (با استناد به آیه ۲۲ سوره نور و آیه ۸۹ زخرف) و فهم آیات الهی در نظام جامع دلیلی دیگر بر نقد خود را بیان می‌کند.

نتیجه

۱- در تفسیر تسنیم به منظور عمق‌بخشی و تکامل علمی در تفسیر، به نقل و نقد آرای مفسران صاحب نظر فریقین به

آیت‌الله جوادی بر پایه شواهد قرآنی رأی سوم را صحیح می‌داند؛ این‌گونه که سیاق درونی آیه مقتضی سخن از مهلت خواستن است و از آیه «اخرنا الی اجل قریب» برمی‌آید که ایشان هنوز نمرده‌اند ضمن اینکه ایشان معتقد است خطاب صدر آیه: «فبقول الذین ظلموا»، با ستمکاران است و با توجه به اینکه سختی قیامت برای همگان است (عبس/ آیه ۳۴-۳۶)، پس مراد از «یوم یاتیهم العذاب» کیفر دنیایی و عذاب استیصال است. همچنین از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره یونس که داستان نجات مؤمنان از کیفر استیصال را بیان می‌کند، شاهد بیرونی این آیه است. گرچه برخی مفسران «یوم یاتیهم العذاب» را با استناد به آیه ۱۸ نحل، به رستاخیز حمل کرده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ج ۵ ص ۳۲۶). آیت‌الله جوادی آملی این تفسیر را با تکلف همراه می‌داند و بین «اقتسمتم من قبل ما لکم من زوال» و «واقسموا بالله جهد ایمانهم لا یبعث الله» فرق قائل است و این دو آیه را مفسر هم نمی‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ج ۴۴، صص ۲۲۰-۲۰۵)

۲-۴-۴- استناد به عقل و ظاهر آیه

در مواضع متعددی آیت‌الله جوادی به دلیل عقلی علاوه بر ظاهر آیه در مقام نقد دیگر مفسران استناد می‌کند. از این جمله است آیه «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِنَفْسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (رعد/۱۶) که در آن فخر رازی درباره سه مسئله: نفی مقال اهل اعتزال، اثبات نسبت کلمه‌ای بر خدا، عالم بالذات بودن خدا و قادر بالذات بودن یا قادر به قدرت بودن او (تفسیر کبیر، ۱۴۲۰: ج ۱۹، ص ۲۷) اظهار نظر می‌کند. آیت‌الله جوادی به استناد عقل و ظاهر آیه، تلاش علمی او را در این باره رنج خاسری می‌داند که تعرض و علاج آن نه ضروری است و نه

آخوند خراسانی، شیخ محمد کاظم، (۱۴۰۹ ق)، کفایه الاصول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم
بابایی، علی اکبر، عزیزی کیا، غلامعلی و مجتبی روحانی راد، زیر نظر محمود رجبی (۱۳۹۶ ش)، روش شناسی تفسیر قرآن، چاپ هفتم، انتشارات سمت، تهران.
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.

بابایی، علی اکبر، (۱۳۹۴ ش)، قواعد تفسیر قرآن، انتشارات سمت، تهران. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
برنجکار، رضا، (۱۳۹۱ ش)، روش شناسی علم کلام، اصول استنباط و دفاع در عقاید، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم.

ثعلبی، احمد ابن محمد (۱۴۲۲ ق)، الکشف والبیان، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.

خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۶۳ ش)، «آیین نقد کتاب»، مجله نشر دانش، شماره ۲۱، صص ۹-۱۹.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ ش)، تفسیر تسنیم، ج ۱ و ۲، اسراء، قم.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳ ش)، توحید در قرآن، اسراء، قم.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷ ش)، تفسیر تسنیم، ج ۱۲ و ۱۳ و ۱۷، اسراء، قم.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۷ ش)، تفسیر تسنیم، ج ۱۹ و ۲۶ و ۲۷، اسراء، قم.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۴ ش)، تفسیر تسنیم، ج ۳۷، اسراء، قم.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۵ ش)، تفسیر تسنیم، ج ۴۲، اسراء، قم.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۶ ش)، تفسیر تسنیم، ج ۴۴ و ۴۵ و ۴۶، اسراء، قم.

خصوص تفاسیر دارای مبانی متفاوت و بررسی نحوه استدلال و تبیین ادله آنان پرداخته است.

۲- حوزه نقد آرای مفسران در تسنیم، علوم مختلفی همچون معانی، صرف، نحو، بلاغت، عقاید و کلام و ... را شامل می شود.

۳- نقد آرای تفسیری در تسنیم با محوریت تفسیر قرآن به قرآن و با استفاده از معیارهایی چون: مطابقت با سایر آیات قرآن، استناد به ظواهر آیات، هماهنگی با سیاق آیات و تطبیق با قواعد عربی و رجوع به برهان های متناسب با مطلب و دلایل عقلی و منطقی یا مجموع آنها، انجام پذیرفته است.

۴- مفسر تسنیم در مقام استنباط رأی جدید، آرای تفسیری علمای فریقین را مستقل از مذهب آنها، با عنایت به مبانی قرآنی خود، بررسی و نقد کرده است؛ در برخی موارد به طرح تفسیری نوپدید اقدام کرده و در موارد دیگری به تقویت یکی از ادله گذشتگان پرداخته است.

۵- هدف مفسر تسنیم از نقد آرای مفسران، رفع تفسیر ناصحیح و احیاناً تفسیر به رأی از ساحت قرآن مجید است.

۶- رعایت اخلاق و انصاف و دوری از هرگونه تعصب و تخریب شخصیت مفسران و البته استقلال رأی و شجاعت در نقد، از خصوصیات نقدهای تفسیر تسنیم است.

کتابنامه:

قرآن کریم، ترجمه فولادوند.

ابن منظور، جمال الدین ابوالفضل، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، چاپ سوم، نشر دارصادر، بیروت. ۱۴۰۵ ق.

ایازی، محمد علی، (۱۴۱۴ ق)، (الف) المفسرون حیاتهم و منهجهم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۸ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمد باقر موسوی، چاپ یازدهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۶۴ ش)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقدمه و پاورقی از مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، افست، مؤسسه علمی، بیروت، لبنان

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ ش)، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: احمد حبیب عاملی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، (۱۴۲۴ ش)، انتشارات اسوه، تهران.

فناپی اشکوری، (۱۳۸۶ ش)، مقاله «عیار نقد»، کتاب نقد و نقد کتاب، مؤسسه خانه کتاب، تهران، ص ۱۴۱-۱۵۰
فخر رازی، محمد ابن عمر (۱۴۲۰ ق)، مفالیح الغیب، دار احیا التراث العربی، بیروت.

فهیمی تبار، حمید رضا، (۱۳۸۷ ش)، «روش شناسی تفسیر تسنیم»، مجله پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۳، صص ۱۲-۳۹.

قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد (۱۳۸۴ ق)، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر القرطبی)، تحقیق احمد البردونی، ناشر: دارالکتب المصریه، القاهره. قابل دسترسی از سایت <http://lib.eshia.ir/>

مظفر، محمد رضا، (۱۳۸۶ ش)، اصول الفقه، شرح فارسی: سید عبدالله اصغری، ناشر عبدالله اصغری، قم.

درودی، فریبرز، (۱۳۹۳ ش)، «درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن»، فصلنامه نقد کتاب، سال اول، شماره ۳ و ۴، صص ۲۲۱-۲۳۴.

دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه پانزده جلدی، (۱۳۷۳ ش)، به کوشش جعفر شهیدی و محمد معین، دانشگاه تهران، تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان الداودی، دار القلم، دمشق.

رجبی، محمود، (۱۳۹۶ ش)، روش تفسیر قرآن، چاپ هشتم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.

رشیدرضا، محمد (۱۹۹۰ م)، المنار تفسیر القرآن العظیم، ناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر. از سایت <http://lib.eshia.ir/>

زرکشی، محمد بن بهادر، (۱۴۰۸ ق)، البرهان فی علوم القرآن، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱)، نقد ادبی، چاپ سوم انتشارات امیر کبیر، تهران.

زمخشری، جارالله محمود ابن عمر (۱۴۰۷ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵ ش)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

سبحانی، جعفر، (۱۳۸۲)، مقاله «روش صحیح تفسیر قرآن»، مجله قبسات، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۹-۲۹.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۳۰ ق)، البهجة المرضیة علی الفیة ابن مالک، چاپ نوزدهم، اسماعیلیان، قم.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۲۱ ق)، الاتقان فی علوم القرآن، محقق فواد احمد، دارالکتب العربی، بیروت.